

## عنوان مقاله:

بررسی رویکرد بینامتنیت در آثار گلشیری با تاکید بر آینه های دردار

## محل انتشار:

دوفصلنامه پژوهش های زبانی و ادبیات کاربردی، دوره 1، شماره 2 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

## نویسنده:

عیسی سلیمانی - گروه زبان انگلیسی، دانشگاه ولایت

## خلاصه مقاله:

از دیدگاه تاریخی، مفهوم بینامتنیت برآمده از کارهای فرمالیست هاست. وقتی در دهه ی شصت فرمالیست ها را در فرانسه ترجمه می کردند، این مفهوم را کریستوا وارد نقد ادبی کرد. این مفهوم طبق نظر منتقدان معنایی گسترده داشته است. از منظر کریستوا، متن معنایی ثابت ندارد و از گفتگوی چندین متن حاصل می شود: نوشتار نویسنده، نوشتار خواننده. بارت نمیتوان خارج از متن زیست و نوشت، و این متن فرقی نمی کند آثار کامو باشد یا مجلات و تصاویر تلویزیونی. به نظر او کتاب ها معنا تولید می کنند و معنا زندگی می سازد. به نظر بارت، خود متن بینامتن است. لوران ژنی بر این نظر است که بینامتنیت دگرگونی و شباهت سازی چندین متن به واسطه ی متنی مرکزی است که مسیر معنا را نگه می دارد، ژنت می گوید بینامتنیت روابط حضور هم زمان چند متن در متنی است که ما در حال بررسی اش هستیم. ریفاتر نظری شبیه ژنت دارد ولی گسترده تر: «بینامتنیت درک و دریافت خواننده از روابط اثری مشخص با آثار پیش و پس از خود است». تمرکز آنژنو بیشتر روی نتیجه ی رویکرد بینامتنی است، چون می تواند حصار تولید ادبی اساسی را بشکند و آن را وارد شبکه ای از تعامل مقررات گفتمانی یعنی سخن اجتماعی بکند. در نهایت می توان به حرف این منتقدان حرف بورخس را افزود که می گفت تمام کتاب های جهان اثر یک نویسنده هستند. شاید این حرف بینامتنیت را بهتر از دیگران بیان می کند. ما در این مقاله می خواهیم آثار هوشنگ گلشیری را از منظر بینامتنیت بررسی کنیم از هر منظر بنگریم آینه های دردار او اوج این رویکرد است.

## کلمات کلیدی:

"آینه های دردار"، "بینامتنیت"، "گلشیری"، "زبان"، "تاریخ"، "هویت"

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2057784>

